

## انتظار و فرایند سامان‌دهی عناصر اخلاقی در دفاع از جبهه حق\*

بهروز محمدی منفرد<sup>۱</sup>

### چکیده

انتظار حالتی نفسانی و ترکیبی از معرفت و کنش‌هایی است که در جهت حرکت و زمینه‌سازی برای ظهور منجی موعود انجام شده و از سه عنصر معرفت به آینده و آینده‌نگری مثبت، امید به تحقق آینده مثبت و حرکت به سوی تحقق آن تشکیل شده است که این حرکت حوزه رفتارهای اختیاری و اخلاقی انسان منتظر را شامل می‌شود. انسان منتظر، بهترین وضعیت را زمان ظهور و حضور منجی و تحقق حکومت صالحان می‌داند، پیوسته درصدد اقداماتی برای تحقق آن وضعیت است. ماهیت و حقیقت چنین انتظاری دارای عناصری اخلاقی است که در قالب فرایند و سازوکاری خاص می‌توانند به دفاع از جبهه حق و نیروسازی برای زمینه‌سازی ظهور منجی موعود کمک کنند. پژوهش حاضر می‌کوشد مهم‌ترین عناصر اخلاقی معطوف به پذیرش حقیقت انتظار را در قالب فرایندی تعریف کند که از کمال‌گرایی اخلاقی آغاز و به اصل کرامت انسانی منتهی می‌شود. که در این صورت براساس این فرایند، سازوکاری برای دفاع از جبهه حق تعریف می‌شود. نتیجه پژوهش نیز این خواهد بود که پیوند و نسبتی وثیق بین حقیقت انتظار، عناصر اخلاقی و دفاع عوامل انسانی از جبهه حق و در نهایت نیروسازی برای ظهور منجی وجود دارد.

### واژگان کلیدی

انتظار، اصلاح‌گری اخلاقی، کمال‌گرایی اخلاقی، عدالت‌طلبی، عامل انسانی نیروساز ظهور.

### مقدمه

انتظار ظهور منجی موعود بیانگر حالت آگاهانه، ارادی و نفسانی کسی است که نسبت به ناخوش‌آیندی‌ها و نابه‌سامانی‌های وضعیت‌های موجود یعنی استضعافات جامعه بشری از حیث باورهای اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی معترض بوده و با امید به تحقق وضعیتی مطلوب، برای ایجاد وضع بهتر تلاش می‌کند. در حقیقت چنین انتظاری را می‌توان حالتی نفسانی و ترکیبی از معرفت و کنش‌هایی دانست که در جهت حرکت و زمینه‌سازی برای ظهور منجی

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۹

۱. استادیار دانشگاه تهران، ایران (muhammadiminfared@ut.ac.ir).

موعود انجام شده و از سه عنصر معرفت به آینده و آینده‌نگری مثبت، امید به تحقق آینده مثبت و حرکت به سوی تحقق آن تشکیل شده است. پس این حرکت حوزه رفتارهای اختیاری و اخلاقی انسان منتظر را نیز شامل شده و دارای سه اصل کلی است؛ الف) آگاهی از وضعیت مطلوب؛ یعنی فرد با کمک مطالعات پیشین و آموزه‌های وحیانی وضعیتی مطلوب برای خویش و جامعه ترسیم نماید. به عبارت دیگر آرمان شهری مبتنی بر تعالی حقیقی انسانیت در ذهن خویش سامان‌دهی کند؛ ب) اعتراض به وضع موجود؛ به این معنا که فرد منتظر نابه‌سامانی‌ها و بحران‌های فکری، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی جامعه‌ی موجود را بشناسد و خواستار تحولی عظیم و تغییراتی چشمگیر در جامعه بوده و به تحقق وضعیت مطلوب در حوزه‌های اعتقادی و اقتصادی و فرهنگی امید داشته باشد؛ یعنی امید به عنایت الهی برای تحقق آینده‌ای روشن برای بشریت و همچنین باور به این که حضور فعلی پیروان جبهه‌ی باطل همانند کف روی آب بوده و با عنایت الهی و ظهور منجی موعود، پیروزی نهائی از آن جبهه حق است؛ ج) تلاش برای حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب؛ یعنی انسان منتظر با اعتراض به نابه‌سامانی وضعیت موجود، برای رهائی از آن وضعیت و همچنین تحقق آن چه به آن امید دارد، به سوی ظهور منجی موجود حرکت نموده و با تخلق به رفتارهای اخلاقی، برای تحقق ظهور آن منجی موعود زمینه‌سازی می‌کند. با این توضیح، عنصر حرکت را می‌توان به حرکت اخلاقی جامعه منتظر نیز توسعه داد.

ماهیت و حقیقت این انتظار ظهور منجی دارای عناصری اخلاقی است که در قالب فرایند و سازوکاری خاص می‌توانند به دفاع از جبهه حق و در نهایت نیروسازی برای زمینه‌سازی ظهور منجی موعود کمک کنند. پژوهش حاضر می‌کوشد مهم‌ترین عناصر اخلاقی معطوف به پذیرش حقیقت انتظار را در قالب فرایندی تعریف کند که از کمال‌گرایی اخلاقی آغاز و به اصل کرامت انسانی منتهی می‌شوند. در این تصویر کمال‌گرایی اخلاقی بی‌واسطه بر حقیقت انتظار مبتنی است و عدالت‌طلبی در پی کمال‌گرایی اخلاقی محقق می‌شود و به دنبال عدالت‌طلبی شاهد اصلاح‌گری اخلاقی و در نهایت همدلی و کرامت انسانی خواهیم بود. نتیجه پژوهش نیز این خواهد بود که پیوند و نسبتی وثیق بین حقیقت انتظار، عناصر اخلاقی و دفاع عوامل انسانی از جبهه حق و نیروسازی برای ظهور منجی وجود دارد.

### انتظار، کمال‌گرایی اخلاقی و دفاع از حق

کمال‌گرایی اخلاقی فضیلتی به‌شمار می‌آید که در ماهیت انتظار نهفته است. به عبارت دیگر

نمی‌توان انسان منتظری را تصور کرد که کمال‌گرای اخلاقی نباشد و همین نوع کمال‌گرایی با سازوکار خود به دفاع از جبهه حق و نیروسازی برای ظهور منجی منتهی می‌شود. نسبت بین سه عنصر انتظار، کمال‌گرایی اخلاقی و دفاع از جبهه حق و در نهایت نیروسازی برای ظهور را می‌توان در قالب مقدمات و نتیجه ذیل صورت‌بندی کرد:

۱. در ماهیت انتظار، خوش‌بینی به تحقق آینده‌ای آرمانی و تکامل در خردورزی و عناصر اخلاقی وجود دارد. به عبارت دیگر انسان منتظر خوش‌بین است که خودش و دیگر افراد جامعه به تکامل اخلاقی برسد.

۲. خوش‌بینی به تحقق کمال در حوزه‌های اخلاق سبب می‌شود که فرد به کمال در آن حوزه‌ها گرایش داشته و به عبارت دیگر کمال‌گرای اخلاقی باشد.

۳. کمال‌گرایی اخلاقی انسان منتظر سبب می‌شود که وی به‌عنوان عاملی انسانی از جبهه حق دفاع نموده و خود را برای ظهور آماده سازد، زیرا مهم‌ترین مؤلفه ظهور منجی نیز اخلاقی زیستن و تحقق کمال انسانی برای غالب انسان‌هاست.

۴. نتیجه مقدمات فوق این است که می‌توان از پذیرش حقیقت انتظار به دفاع از جبهه حق و نیروسازی برای ظهور منجی رسید.

حال برای تبیین و تحلیل دقیق نتیجه فوق، ضروری است مقدمات سه‌گانه تدقیق شوند، اما قبل از آن باید مراد از کمال و کمال‌گرایی اخلاقی روشن شود. براساس آرای فیلسوفان اسلامی، کمال، فعلیت یافتن استعدادها و همچنین قوا است و به اقتضای طبیعت و آفرینش هر پدیده‌ای، استعدادها و توان‌مندی‌های آن معین شده و کمال او محقق می‌شود. در مورد خاص نفس انسانی نیز هر یک از قوای شهویه و غضبیه لذت و همچنین رنج مخصوص به خود را دارند و می‌توانند سبب شوند که نفس انسانی نهایت لذت را ادراک نموده و به کمال و خیر مطلوب خود برسد. اگر این قوای حیوانی به حال خود رها شوند و هیئتی انفعالیه در عقل و نفس ناطقه شکل بگیرد و این نفس ناطقه از آن قوا منفعل شود - به جای این که حالت استعلائی بر قوا داشته باشد - آن قوا به سوی افراط یا تفریط پیش می‌روند، زیرا این افراط و تفریط مقتضای چنین قوایی حیوانی است. به عبارت دیگر اگر عقل و نفس ناطقه برای صدور افعال خود پیرو قوای شهویه و غضبیه شود، رذیلت‌های اخلاقی برای نفس انسانی به عنوان ملکات و عادات خواهند شد. اما اگر این قوا تحت تدبیر عقل باشند، این قوا به حدّ توسط رسیده و نفس دارای ملکه اعتدال و فضیلت عدالت می‌شود، به این صورت که به کمک قوه عقلیه دارای هیئتی استعلائی نسبت به قوای حیوانی خواهد بود (ابن‌سینا، ۲۰۰۷: ۱۳۵-)

۱۳۶). این جاست که که نفس انسانی به کمال خود در حوزه اخلاقیات می‌رسد. البته ممکن است نفس انسانی از حیث برخی فضیلت‌های اخلاقی به کمال خود برسد، ولی کمال حقیقی برای نفس انسانی قرب الهی است و اگر از کمال نفس سخن می‌گوئیم، مرادمان کمال نفس در تحقق فضایی است که منتهی به قرب الهی می‌شود و سایر کمالات از جمله ترقی عقلی و معنوی نیز تنها در جهت قرب الهی، عنوان کمال به آنها حمل می‌شود.

حال که این امکان برای نفس انسانی وجود دارد که به کمال نهائی خود برسد، می‌توان تصور کرد که انسان به طور فطری به سوی کمال حقیقی و تکامل اخلاقی و معنوی خویش گرایش دارد. گرایش کمال جویی و عشق به کمال و خیر و میل به شکفتن و رسیدن به تمامیت و تعالی در درون همه انسان‌ها وجود دارد و به اصطلاح فطری و جِلی نوع انسانی و مورد اتفاق تمامی مکاتب و اندیشه‌هاست؛ زیرا انسان برخلاف سایر جانداران تنها در اندیشه حفظ ارگانسیم و بقای ذات حرکت نمی‌کند، بلکه دائم در تکاپوی بهتر بودن و رسیدن به نقطه‌ای بالاتر است و بسیاری از رفتارهای او براساس همین منطق صورت می‌پذیرد؛ از این رو مطلوب حقیقی و غایتی که انسان به دنبال آن است همان وصول به کمال و شکوفایی خویش است، اگرچه در مصداق یابی و تفسیر آن، اختلاف نظرهایی وجود دارد. البته انسان در فطرت خود هر کمالی را به طور مطلق می‌خواهد و اگر عالم را در اختیار داشته باشد و گفته شود جهان دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن جهان را هم در اختیار داشته باشد و یا اگر علوم دیگری نیز قابل تصور باشد مایل است آنها را بیاموزد. همچنین انسان فطرتاً کمال مطلق را اصیل می‌بیند و به آن گرایش دارد، ولی چون کمالات محدود و مقطعی را تابع آن کمال مطلق می‌بیند، بالتبع به آنها نیز می‌گراید (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

اکنون با کمک مباحث فوق می‌توان مقدمه اول و دوم استدلال را تبیین کرد که کمال‌گرایی اخلاقی یکی از عناصر اساسی حقیقت انتظار است. انتظار ظهور منجی با آرزوی داشتن یک جامعه برین در حوزه کمالات اخلاقی معنا می‌یابد و در ذات انتظار، گرایش به کمالات اخلاقی برای تحقق وضعیت مطلوب نهاده شده است. انسان منتظر کسی است که کمال نفس به معنای پیش‌گفته را برای خویش و جامعه منتظر طلب می‌کند. به عبارت دیگر انسان‌های منتظر به عنوان انسان‌های کمال طلب، نواقص و نابه‌سامانی‌های اخلاقی جامعه‌ی موجود خود را مشاهده کرده و نسبت به رفع آنها و دفاع از حق و بسترسازی برای یک جامعه کامل و مطلوب اخلاقی گرایش می‌یابند. اما سؤال این است که کمال خواهی انسان‌های منتظر با چه سازوکاری به دفاع از حق و نیروسازی برای ظهور منجی کمک می‌کند؟

پاسخ این است که انسان منتظر به دنبال کمال خویش و دیگر افراد جامعه منتظر است و وجود این گرایش به کمال در افراد جامعه می‌تواند آنها را به عنوان عامل‌های انسانی و نیروهائی برای ظهور منجی محیا سازد. زیرا این نوع کمال طلبی با تکامل قوه عاقله نفس انسانی همراه است که قوه غضبیّه و شهویّه را به خواست‌های معطوف به کمال نفس انسانی جهت می‌دهد. انسان منتظر، نواقص و نابه‌سامانی‌های جامعه موجود نامطلوب خود را مشاهده می‌کند و با انگیزه کمال‌گرایی عقلانی و اخلاقی درصدد رفع آن نابه‌سامانی‌ها و ترسیم یک جامعه کامل و مطلوب خواهد بود. در واقع انسان‌های منتظر افزون بر این که به سوی کمال حقیقی - یعنی قرب الهی - و تکامل عقلانی و اخلاقی گرایش فطری دارد، نسبت به آنچه فرد را به این کمالات برساند نیز گرایش دارد؛ بنابراین نسبت به دفاع از جبهه حق و آمادگی خویش و دیگر افراد جامعه برای تحقق کمالات اخلاقی معطوف به ظهور منجی نیز تمایل دارند. در حقیقت انسان منتظر از سرشتی الهی و مجهّز به فطرتی حق‌جو و کمال‌گرا برخوردار بوده و ارزش‌های انسانی معطوف به کمال‌گرایی در وی اصالت دارد. پس این ارزش‌ها براساس گرایش انسان به کمال، به صورت یک سلسله تقاضاها در سرشت او نهاده شده است و انسان به موجب آن گرایش، خواهان ارزش‌های متعالی دیگر از قبیل حق و حقیقت و عدالت و مکرمت‌های اخلاقی است. این جاست که انسان منتظر به به موجب اراده و نیروی انتخابگری خود با ابتدای بر کمال‌گرایی اخلاقی، طرح‌های فکری خویش را به مرحله اجرا درآورد و عامل - های انسانی از جمله خود و دیگران را آماده بسترسازی برای ظهور کند.

### انتظار، عدالت طلبی و دفاع از حق

با ملاحظه آرای ابن‌ینا ملاحظه کردیم که حرکت به سوی کمال نفس انسانی با تحقق عنصر عدالت برای نفس انسانی امکان‌پذیر است، اما در عین حال طلب عدالت از مسیر کمال‌گرایی اخلاقی عبور می‌کند. به این معنا که فرد ابتدا باید کمال‌گرا باشد تا این که عدالت خواه باشد. توجه کنید که وقتی از عدالت خواهی سخن می‌گوئیم، منظورمان ابتدا اعتدال در قوای نفس است که با تحقق آن در بین همه افراد جامعه منتظر، عدالت اجتماعی نیز حاصل می‌شود، همان‌طور که در کتاب **جمهور افلاطون** نیز مشاهده می‌کنیم که حرکت از اعتدال قوای نفس شروع شده و به سامان‌دهی مدینه‌ای فاضله منتهی می‌شود. با این توضیحات اگر عنصر کمال‌گرایی در حقیقت انتظار نهفته باشد، ضرورتاً عدالت طلبی نیز در پی آن و به عبارت دیگر در فرایند تحقق عناصر اخلاقی خواهد آمد. اکنون می‌توان استدلالی برای نسبت بین سه عنصر

انتظار، عدالت‌طلبی معطوف به کمال‌گرایی اخلاقی و دفاع از جبهه حق را در قالب مقدمات و نتیجه ذیل صورت‌بندی کرد؛

۱. عدالت‌طلبی - یعنی طلب اعتدال در قوای نفس - مبتنی بر کمال‌گرایی معطوف به حقیقت‌انتظار است و عدالت‌خواهی اجتماعی مبتنی بر این است که فرد از ملکه فضیلت عدالت نفس برخوردار باشد.

۲. عدالت‌طلبی - هم به معنای طلب اعتدال در قوای نفس و هم عدالت‌خواهی اجتماعی - به واسطه کمال‌گرایی اخلاقی شخص منتظر در ماهیت انتظار ظهور منجی موعود حضور دارد. پس حقیقت‌انتظار بدون عنصر عدالت‌خواهی نفسی و اجتماعی معنا ندارد.

۳. نتیجه دو مقدمه فوق این است که فرد منتظر عدالت خواه در گام اول خودش از ملکه عدالت نفس برخوردار است و این امر سبب می‌شود که دیگران را نیز به سوی عدالت نفس و عدالت اجتماعی سوق دهد و این برترین نوع دفاع از جبهه حق است. به عبارت دیگر انسان با برخورداری از فضیلت عدالت نفس و در نتیجه عدالت‌خواهی اجتماعی، دیگران را نیز به سوی این نوع عدالت‌خواهی حرکت داده و از جبهه حق دفاع می‌کند.

برای تدقیق مقدمات و نتیجه فوق می‌توان گفت که فهم حقیقت‌انتظار ابتدا مبتنی بر این است که فرد کمال‌گرای اخلاقی باشد و این کمال‌گرایی سبب می‌شود که فرد عدالت‌خواه برای نفس خویش نیز باشد، یعنی برای خواهان اعتدال قوای نفس بوده و برای آن بکوشد. اگر چنین حالاتی برای همه نفس‌های انسانی منتظر حاصل شود، شاهد تقابل با ظلم و ستم و دفاع از جبهه حق و گرایش به تحقق و احیای عنصر عدالت اجتماعی نیز خواهیم بود. پس ایمان و باور به ضرورت انتظار ظهور، انسان را به بسترسازی برای عدالت اجتماعی و دفاع از حق در هر زمان و مکانی سوق می‌دهد. البته همان‌طور که اشاره کردیم، گرایش به عدالت اجتماعی برای هر فردی ریشه در تحقق عدالت نفس انسانی و اعتدال قوای نفس دارد که به عنوان مهم‌ترین ملکه اخلاقی به‌شمار می‌آید. در حقیقت فضیلت معطوف به هر قوه عبارت از ملکه توسط بین دو حد افراط و تفریط - یا به عبارتی دو ردیلت - برای نفس است که با تدبیر و تحت حاکمیت عقل و نفس ناطقه حاصل می‌شود. بنابراین برای تحقق و حصول فضیلت عدالت در نفس انسانی، لازم است ابتدا قوه عاقله دارای هیئتی استعلائی بر سایر قوا داشته باشد. وجود چنین توسط و استعلائی سبب برخورداری نفس انسان از ملکه عدالت خواهد بود که بستر را برای رفتار عادلانه نسبت به دیگر افراد جامعه و در نهایت عدالت اجتماعی فراهم می‌آورد. پس می‌توان گفت اصل عدالت اجتماعی و نیز امری اخلاقی است که منشأ و مبنا برای

پذیرش بسیاری از رفتارهای اخلاقی و عدالت‌خواهی اجتماعی است.

این عدالت‌خواهی اجتماعی، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های فیلسوفان در تدوین و ترسیم آرمان‌شهر نیز بوده است، برای نمونه افلاطون جهان را بر منهج عدل استوار نموده و درصدد بوده است عدالت موجود در عالم تکوین را بشناسد و نظام اجتماعی را به سوی آن سوق دهد و آدمی را از رنج و محنت برهاند. برای همین، هدف اساسی از کتاب جمهور وی بیان مفهوم عدالت و راه رسیدن به آن است. البته افلاطون تحقق حقیقت عدالت را آرمانی مطلوب می‌داند که تنها تربیت یافتگان دامن فلسفه و حکمت می‌توانند به آن برسند و مطلوب جویندگان سعادت می‌باشد (افلاطون، ۱۳۶۸ ش: ۹۲). فارابی نیز بر این باور بوده است که جهان هستی در نهایت عدل و کمال آفریده شده و براساس این هدف، جامعه‌ای آرمانی را ترسیم کرده است. وی بخش عمده‌ای از مدینه فاضله خود را به مسئله عدالت و عدالت‌محوری اختصاص داده و معتقد است تنها حکیم خوب می‌تواند این نقش را ایفا کند، زیرا برای برقراری نظام فاضله و عادلانه باید مردمان یا گروهی از ایشان با عدل آشنا شوند و عدل در وجودشان تحقق یابد و عمل و اعتقادشان یکی گردد (داوری اردکانی، ۱۳۷۷ ش: ۱۰).

### انتظار، اصلاحگری اخلاقی و دفاع از حق

اصلاحگری اخلاقی نتیجه عدالت‌طلبی و در نهایت کمال‌گرایی فرد منتظر است. فردی که دارای اعتدال در قوای نفس بوده و عدالت‌خواه اجتماعی است، ضرورتاً اصلاحگر اخلاقی نیز خواهد بود. حال می‌توان پیوند بین سه عنصر انتظار، اصلاحگری اخلاقی و دفاع از جبهه حق را با واسطه عدالت‌طلبی و کمال‌گرایی اخلاقی در قالب مقدمات و نتیجه ذیل صورت‌بندی کرد:

۱. کمال‌گرایی اخلاقی و به دنبال آن، عدالت‌طلبی افراد جامعه سبب اصلاحگری اخلاقی آن افراد می‌شوند و چون کمال‌گرایی اخلاقی پیوند وثیقی با انسان منتظر دارد، نمی‌توان حقیقت انتظار را بدون قید اصلاحگری اخلاقی تعریف کرد.

۲. اصلاحگری اخلاقی با دفاع از جبهه حق و تقابل با جبهه باطل همراه است و به خاطر ابتدای آن بر کمال‌گرایی اخلاقی و عدالت‌طلبی، پیوند وثیقی با حقیقت انتظار پیدا می‌کند.

۳. انسان انتظار به واسطه اصلاحگری اخلاقی خویش، همواره از جبهه حق دفاع نموده و به این دلیل عاملی مهم برای ظهور منجی موعود خواهد بود. به عبارت دیگر عامل انسانی با اصلاحگری اخلاقی می‌تواند به سوی دفاع از جبهه حق و تحقق ظهور منجی حرکت کند.

۴. نتیجه مقدمات فوق این است که توجه به ضرورت اصلاحگری اخلاقی انسان منتظر

سبب دفاع از جبهه حق و همچنین ایجاد و تربیت نیروهائی جهت ظهور منجی خواهد بود. دانستیم که انسان منتظر کمال‌گرای اخلاقی و فردی عدالت طلب است. چنین فردی همواره در افق دید و ذهن خود تصویری از يك وضع مطلوب و آرمانی در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و اخلاق را دارد. پس در صورتی که وضع موجود در راستای وضع مطلوب نباشد و با آن تطابق نداشته باشد، باید با تغییر وضع موجود و یا اصلاح آن برای تحقق وضع مطلوب کوشید. دایره این اصلاح گسترده بوده و مهم‌ترین آن، اصلاح‌گری اخلاقی افراد جامعه است که می‌تواند عاملی مهم برای دفاع از جبهه حق و تقابل با جبهه باطل و همچنین نیروسازی برای ظهور منجی موعود به شمار آید.

حال تدقیق مقدمات و نتیجه فوق با تبیین و تحلیل اصلاح‌گری اخلاقی امکان‌پذیر است. براساس سنت الهی، عامل انسانی نقشی مؤثر در تحقق هر پدیده اجتماعی دارد. دفاع از جبهه حق و نمونه کامل چنین دفاعی، یعنی ظهور منجی موعود و تحقق تکامل ارزش‌های اخلاقی - به‌عنوان مهم‌ترین واقعه برای تحوّل و تکامل تاریخ - از قوانین سنت‌های الهی مستثنا نبوده و نیازمند تأثیرات عامل انسانی - در قالب شماری کافی از افراد اخلاق مدار برای پیاده کردن دولت اخلاق محور - خواهند بود. در این تصویر مراد از اصلاح‌گری اخلاقی این است که فرد منتظر در فرایند تقابل با جبهه باطل و دفاع از جبهه حق و همچنین فرایند ظهور منجی موعود برای بُرون رفت از وضعیت‌های نامطلوب غیر اخلاقی دوران پیشاظهور ایستا نباشد و تا حد ممکن از طریق ایجاد جریان‌های فرهنگی به اصلاح اخلاقی خویش و دیگر افراد جامعه منتظر پردازد. اضلاع این اصلاح‌گری اخلاقی، حوزه بینش، منش و کنش‌های اخلاقی را شامل می‌شود که می‌تواند به منزله یک مهندسی اخلاقی اجتماعی به نیروسازی برای تحقق ظهور منجی موعود نیز منتهی شود. به عبارت دیگر از آن جا که تحقق هر حرکت اصلاحی نیازمند آن است که مسیر طبیعی و عادی خود را پیماید، جریان اصلاح‌گری اخلاقی نیز برای محقق شدن به یارانی متخلق و به دور از پلیدی‌ها و ردائل اخلاقی و همچنین تأثیرگذار در عرصه‌های علم و فرهنگ و هنر و سیاست نیازمند است تا بتوانند جامعه منتظر را در مسیر اصلاحات اخلاقی نسبی رهنمون ساخته و بستر را برای تحقق مدینه فاضله وعده داده شده، فراهم نمایند.

به طور روشن‌تر از جمله ابزار اصلاح‌گری اخلاقی می‌توان به امر به فضائل اخلاقی و نهی از ردائل اخلاقی در عصر انتظار اشاره کرد که می‌توان آن را نمونه بارز دفاع از جبهه حق و زمینه‌ساز ظهور تلقی کرد. در این تصویر فرد اندیشمند می‌تواند با نگارش آثار علمی به فضائل اخلاقی معطوف به دفاع از حق و تقابل با باطل و در نهایت ظهور منجی توصیه کند. یا این که افراد



هنرمند می‌توانند در قالب‌های تئاتر یا سینما و یا حتی موسیقی و دیگر امور وظیفه اصلاح‌گری اخلاقی را انجام دهند. همچنین افراد سیاست‌مدار و قانون‌گذار در تصویب و اجرای قوانین حوزه اصلاح‌گری اخلاقی معطوف به دفاع از حق تأثیرگذار باشند. پس تحقق حرکت اخلاقی جامعه منتظر به سوی دفاع از حق و ظهور منجی زمانی حاصل می‌شود که یکایک افراد پیش‌گفته، اصلاحاتی اخلاقی در جامعه منتظر ایجاد کنند و در جبهه حق و اخلاق مداران قرار گیرند و گرایش و حرکت به سوی جبهه باطل و غیراخلاقی را برنتابند تا این که آرام آرام جبهه اخلاق - مداران تقویت و حرکت به سوی ظهور منجی تشدید شود. در حقیقت چنانچه آن انسان‌های منتظر با اصلاح‌گری اخلاقی، جامعه‌ای را محقق سازند که رفتارهایی اخلاقی از قبیل عدالت و احترام به کرامت انسانی را محور اصلی حکومت خود قرار دهند، این جامعه می‌تواند به عنوان یک دولت اخلاقی همراه با نیروهای کارآمد به شمار آید که آینه‌ای از حکومت اسلام‌محور و عدل‌گستر جهانی باشد و نوعی آمادگی جهانی برای پذیرش آن انقلاب و حکومت بزرگ و در سطح جهان پدید آورد. اصلاح‌گری اخلاقی سبب می‌شود که انسان‌های منتظر به عنوان نیرویی کارساز مردم را برای تغییر یا اعتراض علیه وضعیت نابه‌سامان اخلاقی موجود بسیج کند و سامان اخلاقی نوینی را برپا دارد تا این که با تلاش برای ایجاد جامعه‌ای الهی و اخلاقی، آمادگی لازم انسان‌ها برای قرب الهی نیز فراهم آید و حیاتی با معنویت و به دور از پوچی و بی‌هویتی حاصل شود.

با این توضیحات، حقیقت انتظار با بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی نسبت به اصلاح‌گری اخلاقی جامعه منافات دارد. اگر بنا باشد انسان‌های منتظر برای نزدیکی ظهور هیچ حرکتی برای اصلاح اخلاقی دیگر افراد جامعه منتظر و در نتیجه دفاع از حق انجام ندهند و در مقابل ضد ارزش‌ها و فساد برنخیزند و سکون و سکوت را بر حرکت و اصلاح ترجیح دهند، چه کسی بایستی برای محقق شدن این وعده الهی گام بردارد و بستر و زمینه اجتماعی پذیرش تحقق دولت اخلاقی را فراهم آورد؟ به عبارت دیگر با فرض بی‌مسئولیتی و در نتیجه ایستایی منتظران ظهور منجی موعود در مقابل اصلاح‌گری اخلاقی جامعه، چه کسی باید منتظر آمدن آن منجی موعود باشد تا رفتارهای اخلاقی از قبیل عدالت را در جهان بگستراند؟

توجه کنید که بسیاری از آرمان‌شهرگرایان کمال‌گرای اخلاقی و عدالت‌طلب نیز آثار آرمان‌شهرگرایانه خویش را به عنوان بازتاب شرایط عینی جامعه و به منظور اصلاح‌گری سیاسی و اخلاقی جامعه نگاشته‌اند. برای نمونه برخی اتوپیاها در خلال آشوب‌های سیاسی و در جامعه‌ای نگاشته شده‌اند که ظلم و خفقان و ناعدالتی به اوج خود رسیده و یا یک ایدئولوژی

حاکم، بحران‌هایی را برای بشریت به ارمغان آورده است (Bacon, 2003: II). از این‌رو، طراح آرمانشهر که از اوضاع حاکم بر جهان ناخرسند است و شرایط عینی جامعه را با تصورات ذهنی و آرمان‌های مجرد خویش ناساز می‌یابد، می‌کوشد با طرحی آرمانی وضع موجود را نفی و ارزش‌های آن را انکار کند تا جامعه‌ای اخلاق‌مدار را ترسیم نماید. بنابراین، آرمانشهرها هجویه‌هایی اجتماعی یا اخلاقی هستند که به عنوان سرپوش یا بهانه‌ای برای هدف‌های دیگر به کار رفته‌اند. برای نمونه جمهوری افلاطون، حاصل نومیدی او از رستگاری نظام‌های سیاسی موجود در یونان زمان خود و تفکر در باز یافتن بهترین نوع حکومت بود (عنایت، ۱۳۷۹ش: ۳۶). افلاطون که شاهد فروریختن نظام ارزش‌های اجتماعی آتن، اعدام فرزانه‌ترین فرد زمانه به دست خودش (سقراط) (گمپرتس، ۱۳۷۵ش: ج ۲، ۹۹۲)، گرمی بازار سوفیست‌ها، خرید و فروش فضیلت، آمد و رفت جباران تیرانت و دمکرات‌های افسارگسیخته از صحنه سیاست دولت آتن و ظلم حاکمان روزگار خود بود، جمهوری خویش را از این روی نگاشت تا اهل آتن را راهنمایی کند و انسان‌های نیک را مطمئن سازد که اگر سر در پی عدالت و فضیلت نهند در زندگی بعدی اجر خود را خواهند یافت (امرسون، ۱۳۸۷ش: ۴۱۲). همچنین آگوستین در تلاش برای برآوردن نیازهای مردم برای دفاع در برابر تاراجگری و حفاظت از مردم در برابر جنایت، بزرگ‌ترین اثر فلسفه سیاسی مسیحی تا آن زمان، یعنی شهر خدا را نگاشت (جیلین، ۱۳۷۹ش: ۵۱). به هر حال گزارش آرای برخی آرمانشهرگرایان از این جهت بوده است که نشان دهم عنصر انتظار و طراحی یک آرمانشهر بدون ملاحظه اصلاحگری اخلاقی امکان‌پذیر نیست. البته فرق طراحی آرمانشهر مهدوی از سوی ذات باری تعالی با آرمانشهرهای بشری در این است که از همان آغاز، وجود اصلاحگری عامل انسانی و تلاش برای دفاع از جبهه حق و نیروسازی برای تحقق چنین آرمانشهری ضروری بوده است، برخلاف آرمانشهرهای بشری که بازتاب نابه‌سامانی‌ها و رخدادهای تلخ تاریخ جامعه‌ای خاص بوده و نیروسازی برای تحقق آن چندان معنا ندارد.

### انتظار، همدلی و دفاع از حق

مراد از همدلی انسان منتظر این است که فرد نسبت به مشکلات یا مظلومیت دیگر انسان‌ها ناخشنود بوده و در حد امکان واکنش نشان دهد. این نوع همدلی با کمک به نیازمندان و دفاع از دیگر انسان‌ها در مقابل با ظلم همراه خواهد بود. همدلی به این معنا حاصل کمال‌گرایی و عدالت‌طلبی فرد منتظر و در نهایت اصلاحگری اخلاقی وی بوده و بدین‌سان در فرایند دفاع از

جبهه حق قرار می‌گیرد. با این توضیح حرکت از عنصر انتظار به همدلی و در نهایت به دفاع از جبهه حق و نیروسازی برای ظهور را می‌توان در قالب مقدمات و نتیجه ذیل صورت‌بندی کرد؛ اعتراض به وضعیت‌های نابه‌سامان و ناخوشایندی از وجود فعلی آنها شامل مشکلات و مصیبت‌های مربوط به همه انسان‌ها می‌شود. برای همین انسان منتظر - به واسطه کمال - گرائی و در نهایت اصلاحگری اخلاقی - نسبت به مشکلات ظلم‌های مربوط به دیگر انسان‌ها همدلانه رفتار می‌کند تا شاید از حقوق آنها دفاع کند.

همدلی معطوف به ظهور منجی حالت و رفتاری اخلاقی است که که زائیده پذیرش حقیقت انتظار ظهور است.

این همدلی سبب می‌شود انسان‌ها و نیروهای تربیت شوند تا از جبهه حق و عدالت دفاع کند و افراد جامعه را از وضعیت ناخوشایند موجود برهاند و بدین‌سان چنین افرادی بستر را برای رهایی ایده‌آل و آرمانی انسان‌ها از مشکلات، یعنی ظهور منجی فراهم آورند. پذیرش حقیقت انتظار به همدلی و در نهایت به دفاع از حق و نیروسازی برای ظهور منتهی می‌شود.

برای تدقیق صورت‌بندی فوق ضروری است مراد از همدلی روشن شود تا ارتباط آن با انتظار و عنصر دفاع از حق و نیروسازی برای ظهور نیز فهم شود. همدلی یک اصل اخلاقی است که بستر برای بسیاری رفتارهای اخلاقی از قبیل سخاوت، انفاق و ایثار نیز به‌شمار می‌آید. مراد از همدلی معطوف به انتظار این است که فرد منتظر خواهان خیر، آسایش و کمال مطلوب دیگر افراد جامعه منتظر و حتی پیروان ادیان الهی و جوامع بشری باشد و افراد منتظر همراه و سازگار با هم، غایت و رفتارهای واحدی برای ظهور منجی به عنوان هدفی متعالی داشته و به دنبال ترقی و سعادت این جهانی و اخروی همگان باشد. روشن است در این‌جا رابطه و نسبتی دوسویه لحاظ شده است؛ یعنی همان‌طور که فرد منتظر خواهان چنین آسایش و آسودگی خاطر افراد جوامع منتظر است، دیگر منتظران نیز خواهان چنین امری برای وی باشند.

همدلی فرد با جامعه در جهت رسیدن به کمال نهائی و قرب الهی به طور صریح مورد تأکید آیات و روایات مختلف قرار گرفته است، چنان‌که قرآن کریم با آیه شریفه ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳) از مسلمانان می‌خواهد که همگرایانه و همدلانه در جهت قرب الهی و سعادت دنیوی و اخروی، به ریسمان خداوند چنگ زنند و پراکنده نشوند. در جامعه منتظر نیز هر یک از افراد منتظر، با لحاظ کردن سعادت دنیوی و اخروی آن جامعه - یعنی تحقق جامعه‌ای عادلانه و بهره‌مندی تمامی توده‌های انسانی، از مساوات، عدالت

اجتماعی، اخلاق اسلامی، کرامت‌های انسانی و حقوق اجتماعی، سیاسی و... - مصلحت جامعه را بر مصالح فردی مقدم می‌دارند و سازگار و همدل با آنها به سوی غایات نهائی حرکت می‌کنند. در این تصویر، یکایک افراد منتظر در کنش‌ها و منش‌های خود در جهت دفاع از حق و تحقق ظهور منجی موعود، به آن جامعه می‌پیوندند و تافته‌ای جدا بافته به شمار نمی‌آیند؛ برای همین، شاهد نوعی یکرنگی، صمیمیت و محبت بین همگان، دل‌مشغولی انسان‌ها، حفظ حقوق اجتماعی و تقدم مصالح اجتماعی مسلمین بر مصالح فردی هستیم. این انسجام و همدلی سبب وجود موجی از نیروها در جهت دفاع از حق و بسترسازی برای ظهور منجی خواهند بود. زیرا همدلی صرفاً یک حالت برای نفس نیست و با حرکت افراد همراه است که همین حالت و حرکت، نیروسازی را در پی دارد.

اهمیت همدلی اخلاقی اختصاص به آرمانشهر مهدوی و بستر بودن آن برای ظهور منجی ندارد، بلکه حتی یکی از ملاک و معیارها برای تشخیص آرمانشهر اخلاقی مطلوب این است که اصل همدلی در آن لحاظ شده باشد. برای نمونه در نظر فارابی محبت و همدلی عامل پیوند اعضای مدینه با هم است. در مدینه فاضله فارابی دوستی و دل‌بستگی میان انسان‌ها به سبب فایده رساندن به یکدیگر پدید می‌آید، آن‌گاه به سبب اشتراک آنان در فضیلت‌ها، از سود رساندن به یکدیگر لذت می‌برند. به دنبال این خوشی‌ها و شادمانی‌ها، باز هم میان آنان دوستی پدید می‌آید که نتیجه خوشی‌ها و خوش آمدن از یکدیگر است. پس مردمان آرمان‌شهر از این رو به یکدیگر هم‌بسته و پیوسته می‌شوند (فارابی، ۱۴۰۵: ۸۴). البته برخی اتوپیست‌ها می‌پندارند همه انسان‌ها می‌توانند به گونه‌ای واحد سعادت‌مند شوند و لذا اگر همه لباس متحدالشکل داشته باشند و به طور یکسان از مزایای دنیوی برخوردار شوند، خوشبختی به طور یکسان برای همگان تقسیم می‌شود و یکایک افراد آن جامعه دارای نوعی سازگاری هم‌گرایانه و همدلانه با دیگر افراد در جهت سعادت دنیوی می‌شوند و جامعه ایده‌آل حاصل می‌شود. البته اشکال چنین رهیافتی این است که انسان‌ها به رغم میل مشترک به خوشبختی، همگی تصویری واحد از آن ندارند؛ زیرا به یک گونه و با یک نوع استعداد آفریده، بلکه در انسان‌ها استعداد‌های متفاوتی فراهم آمده است و هر نفس انسانی با جهانی از آمال و آرزوها متفاوت از دیگری است؛ از این رو هم‌شکل‌سازی و برابری کامل مردم همواره با خشونت و سرکوب مخالفان همراه است؛ بنابراین همه مردم در نفس خود غایات و اهدافی دارند که نباید فدای بهروزی عمومی و یا بهروزی دولت شوند (جرمی، ۱۳۸۶: ۶۷). پس آنچه در این سطح از سازگاری اهمیت دارد این است که افراد منتظر - در قالب‌ها و شکل‌های متفاوت - جهتی واحد

را طی کنند.

نتیجه عبارات فوق این است که انسان منتظر که کمال‌گرایی عدالت طلب و در نتیجه اصلاح‌گر اخلاقی است، همدلانه در رفع مشکلات و مصائب بشریت می‌کوشد و به سبب همین همدلی اخلاقی به دفاع از حق و تقابل با ظلم می‌پردازد.

### انتظار، کرامت اجتماعی و دفاع از حق

فرایند عناصر اخلاقی که از کمال‌گرایی اخلاقی آغاز می‌شود، به ضرورت کرامت انسانی منتهی می‌شود و کرامت و ارجمندی انسان نیز بسیاری اوقات با دفاع از حق و مظلومان در تقابل با ظلم میسر است. در ادامه نسبت بین حقیقت انتظار، کرامت انسانی و دفاع از حق را با کمک مقدمات و نتیجه ذیل سامان‌دهی و صورت‌بندی می‌کنیم؛

۱. ضرورت اصلاح‌گری اخلاقی و همدلی به ضرورت کرامت انسانی منتهی می‌شود. بدین - سان اصل انتظار معطوف به کرامت اجتماعی انسان است، زیرا وضعیت مطلوب مورد نظر انسان منتظر کمال‌گرا و اصلاح‌گر اخلاقی این است که همگان از حقوق اجتماعی خود بهره‌مند بوده و به انسان‌ها ارج نهاده شود.

۲. باور افراد جامعه به ضرورت تحقق کرامت اجتماعی انسان می‌تواند به تلاش آنها در جهت دفاع از حقوق انسان‌ها در تقابل با ظلم و همچنین بسترسازی برای مقدمات ظهور کمک کند.

۳. نتیجه این که پذیرش حقیقت انتظار به باور به ضرورت تحقق کرامت اجتماعی و در نتیجه دفاع از حق و نیروسازی برای ظهور منتهی می‌شود.

در تدقیق مقدمات و نتیجه فوق می‌توان گفت تاریخ حیات بشر همواره آستان حوادث تلخ، ناهنجاری‌ها، ظلم و تبعیض، ناامنی و خشونت‌ها برای بشر بوده و این امور سبب گشته‌اند منزلت و مقام حقیقی انسان و خواسته‌ها و نیازهایش زیر پای انسان‌هایی از جنس خودش لگدمال شوند. خشونت‌ها، قومیت‌گرایی‌ها، نژادپرستی‌ها، بردگی انسان‌ها و جنگ‌های بزرگ جهانی نمونه‌های واضحی از فروکاسته شدن منزلت آدمی است. از این رو، دغدغه بسیاری از فیلسوفان آرمانشهرگرا همانند افلاطون، فارابی، آگوستین و تامس مور، ترسیم مدینه‌ای فاضله و اصلاح جامعه انسانی و حفظ کرامات اجتماعی بشر بوده است. اما مهم‌تر از همه، خداوند منزلت و شخصیت هرانسانی را ارج می‌نهد و آدمیان را به احترام و اکرام یکدیگر و رعایت حقوق مادی و معنوی هم فرامی‌خواند و انسان را سزاوار آن می‌داند که عدالت راستین درباره‌اش

رعایت شود و هیچ گونه استعمار، استثمار، ظلم و ستمی زندگی دنیوی و حرمت او را تباہ نسازد. براساس آموزه‌های اسلامی، توجه به ارتباط افراد با یکدیگر و تأثیر و تأثر مثبت و منفی این روابط، پدیدآورنده نظام حقوقی است. نظام حقوقی ناظر به زندگی اجتماعی و مدنی انسان- هاست. هدف از زندگی اجتماعی نیز زمینه‌سازی برای رشد و تکامل بهتر و بیشتر انسان‌ها می- باشد. پس رعایت هرچه بیشتر قوانین اجتماعی توسط فرد، او را از کرامت اجتماعی و حقوقی بیشتری برخوردار خواهد کرد. در واقع، هرکس که در پناه دولت اسلامی است، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی از امنیت مالی و جانی برخوردار است. ملاک این امر آن است که این افراد یا از آن جهت که مسلمان هستند، دارای حقوق هستند یا به خاطر این که در ذمه اسلام هستند و یا به خاطر ارتباطات و معاهداتی که با مسلمانان دارند از امنیت و احترام برخوردار خواهند بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ش: ۲۶۳-۲۶۵). حال نمونه کامل آموزه‌های اسلامی در مورد کرامت انسانی را می‌توان در حقیقت انتظار ظهور مشاهده کرد که حرکت به سوی تحقق منزلت و کرامت واقعی انسان در ذات آن نهفته است که البته به واسطه کمال‌گرایی و عدالت‌طلبی و در نهایت اصلاح‌گری انسان منتظر خواهد بود. انسان منتظری که تحقق کرامت اجتماعی انسان را برای خود و هموعانش ضروری می‌داند، هر ظلم و ستم و تضییع‌کننده حقوق انسان‌ها را بر نمی‌تابد و برای امر کرامت انسانی به دفاع از حق و تقابل با ظلم می‌پردازد. پس در حقیقت دفاع از حق و نیروسازی برای ظهور منجی با باور به ضرورت کرامت انسانی توسط افراد جامعه منتظر امکان‌پذیر است.

### نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش حاضر، مشاهده پیوند وثیقی بین حقیقت انتظار، عناصر اخلاقی و دفاع از جبهه حق و در نهایت نیروسازی برای ظهور منجی است. این پیوند و نسبت در قالب فرایندی معرفی شد که به ترتیب از کمال‌گرایی و عدالت‌طلبی و اصلاح‌گرایی اخلاقی آغاز شده و به همدلی و ضرورت کرامت انسانی منتهی می‌شود که حاصل این فرایند، سامان‌دهی سازوکاری اخلاقی برای دفاع از جبهه حق در تقابل با جبهه باطل بود.

نتیجه دیگر این است که پس از اراده الهی، عامل انسانی مهم‌ترین نقش را در تحقق ظهور منجی موعود دارد. وی وظیفه دارد راهبردهایی دفاعی و مهاجمه‌ای برای رسیدن به این نقطه مهم تاریخ طراحی کند که دفاع از جبهه حق یکی از این امور است. در واقع، عامل انسانی - که همان انسان منتظر است - با بینشی آگاهانه و شناسایی فراز و نشیب و لغزش‌گاه‌ها و در

نهایت با اراده آزاد می‌تواند مسیر تکامل و تعالی و قرب الهی را طی کند و با جهت‌گیری گرایش‌ها و رفتارها در جهت تحقق ظهور منجی موعود، فرجامی نیک برای خویش و جامعه جهانی رقم زند. <sup>۱</sup> البته این فرجام نیک با دفاع از جبهه حق و نیروسازی برای ظهور امکان‌پذیر است. در این صورت فرد منتظر با در نظر گرفتن ظهور منجی به عنوان هدفی متعالی، چگونه زیستن و عمل کردن و همچنین بایدها و نبایدهای زندگی را در مرحله کنش و واکنش نسبت به ظهور منجی موعود، تشخیص داده و توجیه می‌نماید.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۲۰۰۷م)، *احوال النفس*، تحقیق: احمد فؤاد، پاریس: داربیلیون.
۲. افلاطون (۱۳۶۸ش)، *جمهور*، ترجمه: فؤاد روحانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. افلاطون (۱۳۶۶ش)، *دوره کامل آثار*، ترجمه: محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، تهران: انتشارات خوارزمی.
۴. امرسون، راجرال (۱۳۸۷ش)، *فرهنگ اندیشه‌های سیاسی (توپیا)*، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: نشر نی، دوم.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش)، *تفسیر انسان به انسان*، قم: نشر اسراء.
۶. داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۷ش)، *فارابی*، تهران: مؤسسه فلسفه اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی.
۷. شی یرمر، جرمی (۱۳۸۶ش)، *اندیشه سیاسی کارل پوپر*، ترجمه: عزت‌الله فولادوند، تهران: نشر ماهی.
۸. عنایت، حمید (۱۳۷۹ش)، *بنیاد فلسفه سیاسی در غرب*، بی‌جا: نشر زمستان.
۹. فارابی، محمدبن محمدبن طرخان (۱۴۰۵ق)، *فصول متزعه*، تحقیق: فوزی متری نجار، تهران: مکتبه الزهرا.
۱۰. گمپرتس، تئودور (۱۳۷۵ش)، *متفکران یونانی*، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران: شرکت

۱. اصل نقش عامل انسانی در ظهور منجی موعود به طور مفصل‌تر بررسی می‌شود.

سهامی انتشارات خوارزمی.

۱۱. مور، تامس (۱۳۶۱ش)، آرمان شهر (توپیا)، ترجمه: داریوش آشوری و نادر افشاری، تهران:

انتشارات خوارزمی، اول.

12. Bacon, Francis(2002), New Atlantis, Manchester: Manchester University Press.



مشرق و غرب

سال شانزدهم، شماره ۶۵، زمستان ۱۴۰۱

۶۰





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی